

## معنای درک حضور تاریخی اصحاب امام حسین «علیه السلام» (1)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ

معنای درک حضور تاریخی و درک عالی‌ترین حضور انسان در نزد خود

1- اصحاب امام حسین «علیه السلام» متوجه می‌شوند در کربلا امری بالاتر از واجب و حرام به میان آمده است که همان حاضر شدن در تاریخی است که با امام حسین «علیه السلام» به ظهور آمد، امری که در انقلاب اسلامی نیز تجربه شد و شهدا در مواجهه با حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه»، بدون آن‌که حضرت امام حضور افراد در جبهه‌های دفاع مقدس را واجب کنند، مردم توانستند با درک زمانه‌ای که در حال وقوع بود در جبهه‌ها حاضر شوند تا در تاریخی که با حضرت امام خمینی به ظهور آمده بود خود را احساس کنند که این عالی‌ترین نحوه حضور انسان در نزد خود است، به معنای درک حضور تاریخی.

راز علاقه ما به اصحاب امام حسین «علیه السلام»

2- با توجه به این‌که اهل بیت «علیهم السلام» آرمان‌های بلندی در نسبت با انسانیت در نزد خود دارند هیچ‌وقت آن آرمان‌ها کهنه نخواهند شد، آرمان‌هایی که در صدر خواسته‌های همه وجدان‌های پاک و انسان‌های آزاده وجود دارد، مثل عدالت و آزادی و مبارزه با قدرت‌های ظالم و ستمگر و مثل وجوب ایثار در راه حق و فداکاری؛ این‌ها آن مفاهیم بلندی است که در زندگی ائمه «علیهم السلام» وجود دارد و انسان‌ها با نظر به اهل بیت «علیهم السلام» در واقع با ابعاد نهایی خود مأنوس می‌شوند و این است معنای حقیقی رابطه ما با اهل بیت «علیهم السلام» و نسبت و علاقه‌ای که به کربلا داریم و به انسان‌هایی که زیر سایه امام حسین «علیه السلام» آرمان‌هایی که اهل بیت «علیهم السلام» بر آن تأکید داشتند را در خود پیاده کردند، مانند حضرت ابوالفضل «علیه السلام». با توجه به این امر ما لازم است به نسبت خود به امام حسین «علیه السلام» و دیگر ائمه «علیهم السلام» بیندیشیم.

راز آینده‌داری اسلام و انقلاب اسلامی

3- امام حسین «علیه السلام» متوجه این امر بودند که در دنیا، بالاخره وجدان‌های پاک وجود دارد و همه تلاش آن حضرت در کربلا آن بود تا آن وجدان‌ها را مورد خطاب قرار دهند و در همین مسیر ما امروز می‌یابیم که چگونه وجدان‌های بیدار نسبت به نسل‌گشی رژیم صهیونیستی حساسیت نشان می‌دهند. این راه را ما از نهضت اباعبدالله «علیه السلام» در کربلا آموختیم تا در ادامه مقابله با دشمنان اسلام از همین طریق استفاده کنیم و این است راز آینده‌داری کربلا و انقلاب اسلامی. از آن

جهت که وجدان‌های پاک مورد خطاب کربلا و انقلاب اسلامی است و از این جهت امکان ندارد از صحنه تاریخ خارج شوند.

#### راز دشمنی با حقیقت

4- راستی از خود پرسیده‌ایم چرا متوکل عبّاسی با قبر مبارک امام حسین «علیه‌السلام» آن کارها را می‌کرد؟ امام حسین «علیه‌السلام» که بیش از ۱۵۰ سال بود از این عالم ماده رها شده بودند و با شهادت خود به عالم بالا پرواز کرده بودند و در دنیا وجود نداشتند ولی آن چیزی که متوکل را وادار می‌کرد که برود این کارها را بکند، دست قطع کند، پا قطع کند، آدم بکشد، آب ببندد، و کارهایی مانند این‌ها بکند، آن حقیقتی بود که در ورای این قبر، در ورای این گنبد، و این مزار و این ضریح وجود داشت. او از آن «حقیقت» نگران بود که البته حق هم داشت نگران باشد؛ چون آن حقیقت امثال متوکل را می‌کوبد. در همیشه تاریخ چنین است، امروز هم چنین است و راز دشمنی با نظام اسلام مربوط به تذکر به حقیقتی است که این نظام مطرح می‌کند تا انسان‌ها به انسانیت خود برگردند

#### شهادت و حضور در تاریخی دیگر

5- اگرچه نمی‌توان منکر تلاش‌هایی شد که بشر جدید در جهان غرب به میان آورد، ولی با این همه شرایط طوری شده که انسان‌ها نمی‌توانند در آن عالم که انسان در عین داشتن رفاه، معنای خود را از دست داده، زندگی کنند و لذا از این جهت انسان می‌خواهد به آغازی دیگر نظر کند. آیا آن آغاز را می‌توان در شخصیت شهیدان بی‌قراری همچون شهید صدرزاده‌ها مدّ نظر آورد که نمی‌خواستند در زمانه‌ای حاضر باشند که زمان بحران معنای انسان است؟ امری که در بستر تاریخی انقلاب اسلامی معلوم گشت و دانشجویان جهان غرب متوجه آن شده‌اند و رهبر معظم انقلاب در نامه‌ای که به آن‌ها نوشتند فرمودند: «تاریخ در حال ورق خوردن است و شما اکنون در طرف درست تاریخ ایستاده‌اید.»

با تغییر تلقی انسان از خویشتن نسبت به جهانی که تاریخ مدرنیته برای انسان شکل داده بود، نه‌تنها شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید ابراهیم هادی به خوبی متوجه آن شدند، بلکه بسیاری از مردم ما متوجه این امر مهم گشتند و در این رابطه آگاه شدند با حیات فعالی که در دل شهادت به دست می‌آید، خود را در تاریخی دیگر ادامه دهند که ادامه تاریخ مدرنیته نیست.

#### چگونه امر قدسی طلوع می‌کند؟

6- انسان دارای سرشت و فطرت الهی است، به معنای حضوری که هرکس نسبت به حق در بنیان توحیدی خود دارد و انسان ذاتاً وجود خود را در آن حضور که همان قرب به خداوند است، احساس می‌کند که به عنوان وطن نیز برای انسان درک می‌شود، به‌خصوص اگر به حضور تاریخی خود نظر داشته باشیم و اگر

انسان بخواهد به ساحت قدس بیندیشد می‌تواند متذکر این امر باشد که چگونه خداوند در رخدادهای تاریخی به او نزدیک می‌شود و تکلیف کنونی ما در این زمانه با طلوع انقلاب اسلامی، اندیشیدن به امکان آغازی دیگر از حقیقت است که در این تاریخ بر جان انسان رخ می‌نمایاند و انسان متوجه تاریخ، این رخ نمودن را درمی‌یابد که چگونه امر قدسی در تاریخ توحیدی طلوع می‌کند، مانند آنچه در شهادت آیت الله رئیسی پیش آمد و ما به خود آمدیم که چه آینده‌ای در پیش داریم. در این رابطه افقی که برای دولت‌ها در ادامه باید به آن نظر کنند معلوم گشت و در همین رابطه رهبر معظم انقلاب به آقای پزشکین فرمودند به افق‌های بلند چشم بدورند و در ادامه راه شهید رئیسی از ظرفیت‌های فراوان کشور به ویژه منابع انسانی جوان و انقلابی و مؤمن، برای آسایش مردم و پیشرفت کشور بیشترین بهره را ببرند.

**انسان و تفکر واقعی**

7- حضور زمان انفسی که همان درک تاریخ قدسی است که انقلاب اسلامی در نظرها می‌آورد، انسان را متفکر می‌سازد تا آنجایی که می‌تواند در عین حضور در آینده، با گذشته تاریخی خود مانوس باشد، مثل زندگی و انس با اصحاب امام حسین «علیه‌السلام» که با حضور در گذشته تاریخ قدسی خودمان، در آینده خود با هویتی قدسی حاضر می‌شویم و این است راه تفکر حقیقی که هرکس می‌تواند در آن حاضر شود.

#### راز پایداری تاریخی

8- اگر انسان‌ها در تاریخی که با نظر به توحید ربوبی شروع شد، صبر و ایستادگی پیشه کنند، مناسبات تغییر می‌کند و شهدا با توجه به این امر ظرفیت حضور تاریخی که باید در آن حاضر شوند را یافتند و آن تاریخ را از آن خود کردند. در این رابطه می‌توان گفت: ملت ایران در بستر پیروی از حضرت روح الله رضوان الله تعالی علیه متوجه حضور به هنگام تاریخی خود شدند و کار آن‌ها از این جهت یک نوع فداکاری بدون درک تاریخی نبود تا در مقابل سختی‌هایی که پیش آمد، صبر خود را از دست بدهند زیرا با نظر به نهضت عاشورایی امام حسین «علیه‌السلام» متوجه راز پایداری تاریخی خود هستند، بر عکس کسانی که متوجه حضور تاریخی انقلاب اسلامی که در جان انسان‌ها پیش می‌آمد نشدند و این یعنی غفلت از کربلا.

9- چگونگی درک «حضور تاریخی»: اگر مدرنیته وضعی است تاریخی و جهانی، و از این جهت امکان عبور از آن نیست؛ پس باید متوجه باشیم که می‌توانیم آن وضع تاریخی را از آن خود کنیم ولی در بستر وضعیت تاریخی خود، بدون آن‌که لازم باشد وابسته جهان مدرن باشیم و استقلال خود را از دست بدهیم. و این با نظر به آرمان‌گرایی انقلاب اسلامی و با نظر به افقی که کربلا مقابل ما گشوده، ممکن

است، از آن جهت، آن «حضور» یعنی حضور در تاریخ انقلاب اسلامی، در واقع حضور در تاریخی است که موجب تجدید عهد ما با سنت تاریخی‌مان می‌شود که در کربلا پیش آمد ولی با خلق زبانی جدید و در بستر گفتمانی مناسب این زمانه.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته